

درس دوم : ابزار، وسایل و مواد گلیم بافی

در پایان این درس از دانش آموزان انتظار می رود :

● اصطلاحات مربوط به گلیم بافی (دار، چله پیچی، تار، پود، نخ چله) را بشناسند.

● انواع دار را بشناسند.

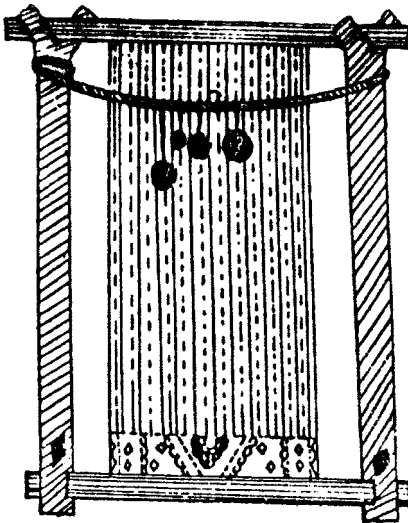
● انواع نخ چله را بشناسند.

● دار را برای گلیم بافی آماده کنند (چله پیچی).

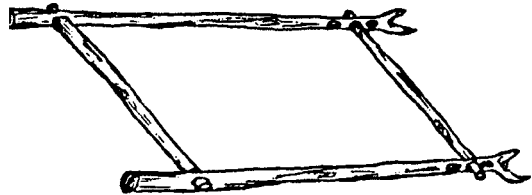
● بتوانند گلیم بیافند.

ابزار و وسایل گلیم بافی

دار : دار یا کارگاه چهار چوبه ای است از جنس فلز یا چوب و فلز که می تواند به صورت افقی و یا عمودی باشد و بیشتر در شهرها و برخی روستاها کاربرد دارد.

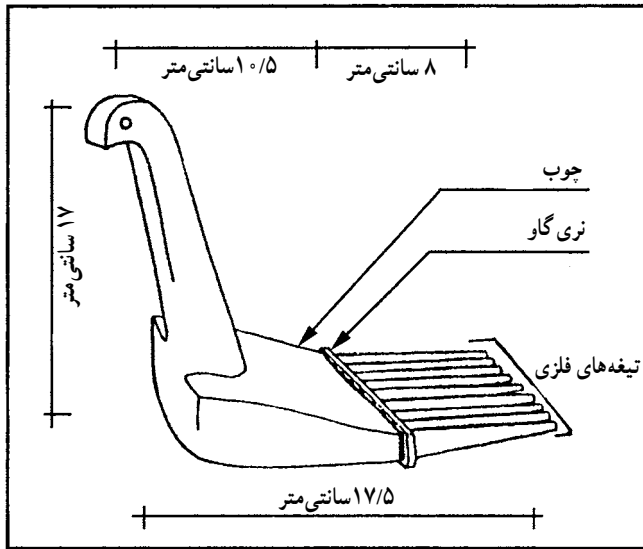


دار عمودی گلیم بافی



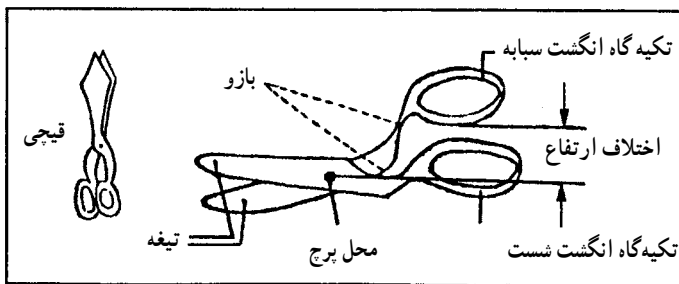
دار افقی گلیم بافی

دفتین: برای استحکام بخشیدن به درگیری الیاف تار و پود معمولاً از وسیله‌ای به نام دفتین که آن را شانه دفه و کرکیت هم می‌نامند، استفاده می‌شود.



نمونه‌ای از دفتین

قیچی: قیچی گلیم‌بافی از نظر ساختمان و طرز کار کاملاً شبیه قیچی‌های قالی‌بافی است.



قیچی یکی دیگر از ابزار کار گلیم‌بافی

مواد اولیه

نخ پشمی: یکی از مهم‌ترین مواد اولیه در بافت گلیم نخ پشمی است.
 نخ پنبه‌ای: از نخ پنبه‌ای به عنوان چله یا تار گلیم استفاده می‌شود. در برخی از مناطق کشور از نخ پشمی به جای نخ پنبه‌ای برای تار استفاده می‌شود.

نخ ابریشمی: از نخ ابریشمی که از ظرافت و زیبایی خاصی برخوردار است، به عنوان پود یا تار و در مواردی هم به عنوان تار و هم به عنوان پود گلیم هم زمان استفاده می‌شود. بنابراین، ممکن است گلیمی چله ابریشمی یا پود ابریشمی داشته باشد و حتی به صورت تمام ابریشم بافته شود.

چله کشی گلیم

برای پیچیدن نخ‌های چله بر روی دار گلیم بافی، به ترتیب از زیر این‌گونه عمل کنید:

- ابتدا اندازه عرض گلیم را روی دار (اندازه عرض کار سیه بندی) مشخص کنید.
- سپس دو نخ موازی با عرض چهارچوب با فاصله حدود 10° سانتی‌متر از یکدیگر ببندید.
- نخ چله را از محل علامت‌گذاری به پایین چهارچوب متصل کنید و آن را از زیر و روی دو نخ موازی به صورت یکی در میان عبور دهید؛ به طوری که در انتهای کار تمام نخ‌های تار زیر و رو باشند. (از فاصله نخ چله‌ها به اندازه ۱ تا $1/5$ برابر نخ چله)
- آخرین نخ تار چله را به بالا یا پایین چهارچوب متصل کنید؛ طوری که کل تارهای کشیده زوج باشند.

زنجیره و گلیمک در ابتدای کار

- ۱- یک خط کش یا قطعه چوب صاف بین تارهای زیر و رو در پایین کار قرار دهید.
- ۲- نخ چله را حدود سه برابر عرض چله انتخاب کنید و آن را به صورت پیچشی به دور تارها بپیچید؛ به طوری که تمام تارها در یک سطح قرار بگیرند.
- ۳- نخ چله حدود ده برابر عرض کار باشد و از بین چله‌های زیر و رو عبور کند؛ به طوری که در هر رفت و برگشت جهت‌ها تا انتهای نخ چله عوض شود.

درس سوم: بافت گلیم ساده

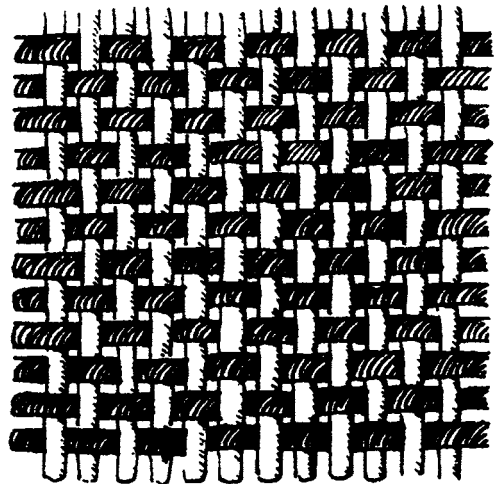
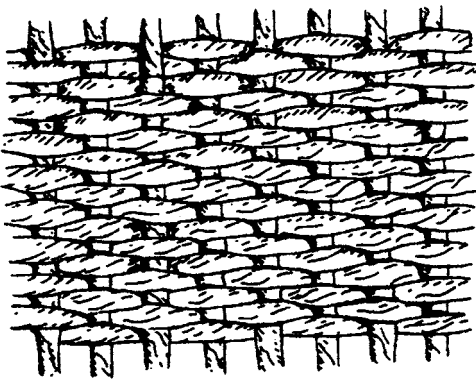
در پایان این درس از دانش آموزان انتظار می‌رود:

- برای گلیم خود طرحی مناسب بکشند.
- طرح خود را در بافت گلیم اجرا کنند.
- مهارت بافت گلیم‌های طرح‌دار را داشته باشند.

گلیم، دست بافته‌ای تخت و بدون پرز است که روی دارهای افقی و عمودی بافته می‌شود. بیشتر خاص مناطق عشایری و روستانشین است و نقش و نگار آن به صورت ذهنی می‌باشد. طرح و نقش‌های گلیم به صورت اشکال هندسی است.

برای بافت گلیم ساده

– ابتدا نخ پود پشمی را به صورت یکی در میان از بین تارها عبور دهید. در رفت و برگشت مسیر عبور نخ پود را عوض کنید و زیر و رو بزنید (بافت ساده).



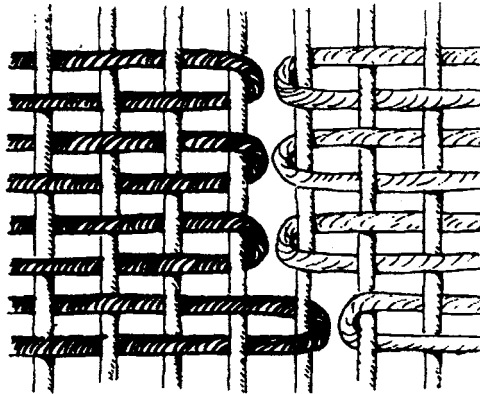
بافت گلیم به شیوه پودگذاری

– بعد از بافت حدود یک سانت، پودهای بافته شده را با ضربات سبک شانه بکوبید تا سطح کار یکنواخت شود.

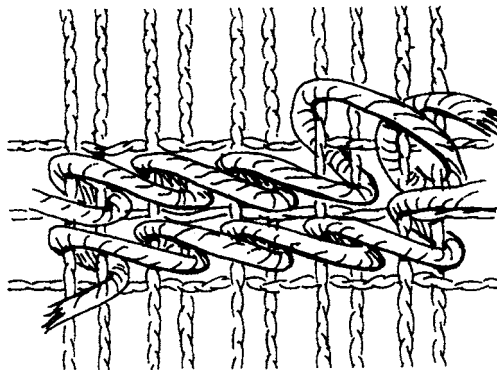
– برای ایجاد نقش راه راه در عرض گلیم به ازای هر چند سانت، پودهای رنگی را تغییر دهید.

ایجاد نقش در گلیم

در گلیم ساده نقوش با اشکال هندسی لوزی و مثلث بافته می‌شوند و کم و زیاد شدن اندازه و ابعاد نقوش به صورت پلکانی است. به همین علت خطوط عمودی بافته نمی‌شوند. در بافت نقوش برای هر نقش از نخ بود جدا استفاده می‌کنند.



بافت چاک دار (شیوه بودگذاری)



بافت پیچی

سفالگری

دانستنی های لازم

مطالعات باستان‌شناسی نشان می‌دهد که در ایران همواره سفال و سفالگری اهمیت ویژه‌ای داشته است. قدیمی‌ترین آثار سفالی ایران به دوره نوسنگی در هزاره هشتم قبل از میلاد تعلق دارد. نمونه‌هایی که از منطقه «تپه پنج دره» واقع در غرب کرمانشاه و «غار کمریند» در نزدیکی بهشهر در استان مازندران به دست آمده، از این گروه‌اند. سفالینه‌های این دوره به خوبی پخته نشده و به علت دود خوردگی به رنگ سیاه درآمده‌اند. احتمالاً از این ظروف برای نگهداری دانه‌های خوراکی و سبزیجات استفاده می‌شده است. در هزاره پنجم قبل از میلاد، ساکنان فلات ایران علاوه بر اینکه در شکار و کشاورزی موفق بوده‌اند، ظروف سفالی دست‌ساز به رنگ سیاه و قرمز می‌ساخته‌اند.

سفالینه‌های منقوش که روی آنها خط‌های افقی و عمودی و مقاطع رسم شده است نیز از این دوران به دست آمده‌اند. مهم‌ترین تحول در هنر سفالگری، اختراع چرخ سفالگری است که به گفته اغلب باستان‌شناسان ایرانیان در هزاره چهارم پیش از میلاد به این موفقیت مهم دست یافتند. حاصل این دوران سفالینه‌هایی کاملاً گرد و متقارن و ظریف است. از این تاریخ به بعد نقوش سفالینه‌ها نسبت به قبل واقع‌گرایانه است و تصویرهای ساده‌ای از مار، پلنگ، قوچ و... روی آنها دیده می‌شود که از این میان می‌توان به جام منقوش شوش اشاره کرد. در هزاره اول ق.م در سیلک کاشان سفالگری رونق بسزایی یافت. علاوه بر این منطقه در تپه گیان نهاوند، تپه مارلیک گیلان، تپه حسنلو در ارومیه و خورون در شمال غربی تهران و بسیاری دیگر از مناطق باستانی ایران سفالینه‌هایی کشف شده است. در دوران هخامنشی رواج بیشتر ظروف فلزی، استفاده از ظروف سفالی را محدود کرد. در این زمان، سفالینه‌هایی با نقوش ساده به صورت نقش‌کنده و به شکل خمره، کوزه، قمقمه و کتیبه‌های برجسته لعاب‌دار ساخته می‌شدند.

از دوره اشکانیان سفالینه‌های اندکی به دست آمده که مربوط به حفاری‌های شهرهای کنگاور و سیستان است و شامل تابوت‌های لعاب‌دار به رنگ سبز-آبی برای بزرگسالان و خمره میت برای کودکان می‌باشد. همچنین از این دوران ظروف و جام‌های سفالین به رنگ‌های آبی و خاکستری و ظروف بی‌لعاب نیز به دست آمده است. اشیایی که از دوران ساسانی به دست آمده‌اند، از مناطق نیشابور، سیراف و تخت سلیمان هستند و شامل ظروفی لعابی به رنگ‌های آبی و سبز با تزئیناتی دقیق‌تر و لعابی مرغوب‌تر از دوره‌های پیش‌اند.

با ظهور اسلام استفاده از ظروف طلا و نقره تحریم شد و به همین سبب در قرن‌های اولیه اسلامی هنر سفالگری در ایران رشد چشمگیری داشت. آشنایی سفالگران ایرانی با سرامیک خاور دور به خصوص چین، و موفقیت در تهیه لعاب‌های شفاف با رنگ‌های متنوع باعث ارتقای هنر سفالگری شد. نقوش تزئینی سفالینه‌ها در این دوره نقوش گیاهی، پرندگان و حیوانات و گاهی نقوش انسانی و خطوط کوفی است. عصر طلایی سفالگری ایران دوران سلجوقی است؛ زیرا در این دوره، تمام روش‌های تزئینی مانند نقاشی رورنگی (مطالای کاری)، مینا کاری و زرین فام، روش‌های نقش‌کنده، نقش افزوده، مشبک و قالبی روی بدنه‌های سفالی به کار گرفته می‌شد. با آغاز حکومت مغولان در ایران در قرن هفتم بسیاری از شهرهای ایران به ویرانی کشیده شدند و مراکز مهم سفالگری مانند نیشابور، ری و جرجان رو به نابودی گذاشتند ولی حکمرانان مغول به تدریج تحت تأثیر فرهنگ ایرانیان قرار گرفتند و با انتخاب شهرهایی چون مراغه، تبریز و سلطانیه به عنوان پایتخت، این شهرها به مراکز تجارت و اجتماع هنرمندان شدند. سفالگران با همان شیوه سلجوقی به کار خود ادامه دادند و کاشی کاری، به خصوص کاشی معرق، تکامل و رواج ویژه‌ای یافت. زیباترین نمونه‌های کاشی معرق دوره تیموری، کاشی کاری مسجد گوهر شاد و مسجد کبود تبریز است.

در دوره صفویه سفال و سرامیک پیشرفت زیادی کرد و ظروف آبی و سفید، مینایی، سلا دون، زرین فام، مطالای کاری، کوباجه و گمبرون تولید می‌شد. کاشی هفت رنگ نیز در همین دوره ابداع شده است.

در زمان حکومت کریم خان تجارت و صنعت رونق یافت و کارگاه‌های بزرگ سفالگری ایجاد شد. کاشی‌های هفت رنگ نیز در تزئین بناها به کار رفت. از جمله این بناها مسجد وکیل، ارگ کریم‌خانی و بنای کاخ ارم است.

در دوره قاجار علاوه بر کاشی‌های لعاب‌دار ساخت ظروف سرامیکی هم مانند قبل رواج داشت. امروزه در برخی از نقاط ایران سرامیک و سفال تولید می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: لاله جین

همدان، میبد یزد، شهرضای اصفهان، مند گناباد، کلپورگان سراوان بلوچستان، زنوز آذربایجان، نطنز، قم و سیاهکل گیلان. سفالینه‌های هریک از این مناطق از لحاظ طرح و رنگ ویژگی‌های خاصی دارند و از هم قابل تشخیص‌اند.



سفال شوش خوزستان



سفال تپه سیلک کاشان



سفالینه‌ای از تپه گیان نهاوند



سفالینه‌ای از تپه حصار دامغان

درس اول: آشنایی با سفالگری

در پایان این درس از دانش آموزان انتظار می‌رود:

- به نمونه اشیای سفالی در میراث هنری ایران توجه کنند.
- اشیای گلی ساده بسازند.
- سفالگری را تعریف کنند.

آماده سازی گل مناسب سفال

ابتدا خاک رس را که به صورت کلوخ است، می‌کوبیم و خرد می‌کنیم و از الک ریز عبور می‌دهیم تا ذرات درشت و سنگ‌ریزه‌های آن جدا شود. در نتیجه، پودری ریز و بدون ناخالصی به دست می‌آید. این پودر را در ظرفی پلاستیکی یا فلزی ضد زنگ با دهانه گشاد می‌ریزیم و آن قدر به آن آب اضافه می‌کنیم تا کاملاً خیس شود. آن‌گاه روی ظرف را با پوشش پلاستیکی می‌پوشانیم تا آب آن تبخیر شود. گل را به مدت چند روز رها می‌کنیم تا رطوبت به طور یکنواخت به تمام آن برسد. به این ترتیب، گلی شل و چسبنده به دست می‌آید که برای سفالگری مناسب نیست. گل شل را روی صفحه گچی می‌ریزیم و صبر می‌کنیم تا میزان رطوبت آن به حدی کم شود که گل به صفحه گچی یا دست نچسبد. سپس با فشار دست و غلتاندن گل را مالش می‌دهیم. گاهی نیز توده گل را با ضربه‌های کف دست بلند می‌کنیم و محکم روی صفحه گچی می‌کوبیم تا حباب‌های هوا از آن خارج شود. برای تعیین حداقل میزان رطوبت، خمیر گل را به شکل فتیله‌ای به قطر دو سانتی‌متر و طول ده سانتی‌متر در می‌آوریم و خم می‌کنیم. اگر در هنگام خم شدن سطح آن ترک خورد، میزان رطوبت از حد لازم کمتر است و باید رطوبت لازم به آن افزوده گردد. برای اینکه گل آماده شود، باید آن را ورز داد. با ورز دادن گل علاوه بر اینکه رطوبت و ترکیبات آن یکنواخت می‌شود، حباب‌های هوا نیز از آن خارج می‌گردند. نگهداری گل برای مدت طولانی، بر خاصیت شکل‌پذیری آن می‌افزاید. گل بعد از خشک شدن سفت می‌شود اما بر اثر رطوبت، دوباره نرم خواهد شد. بهتر است پس از ساختن حجم مورد نظر، از خیس و مرطوب شدن آن جلوگیری کنیم. خشک شدن گل پس از ساختن حجم بسیار مهم است و باید به تدریج صورت گیرد.

چگونگی خشک کردن گل

گل در معرض هوا، در صورت نبودن رطوبت، به سرعت خشک می‌شود و ترک برمی‌دارد؛ چون سطح خارجی آن زود خشک می‌شود ولی لایه درونی آن هنوز خیس است و فشار درونی، باعث ایجاد ترک در سطح خارجی گل می‌شود. بر این اساس، باید سرعت خشک شدن را کند کرد^۱. برای این کار، حجم ساخته شده را درون نایلون می‌گذارند و سوراخ‌های کوچکی در سطح نایلون ایجاد می‌کنند تا هوا به صورت محدود به داخل آن نفوذ کند و حجم ساخته شده به آرامی خشک شود.

پس از خشک شدن گل، می‌توان آن را پخت که در این صورت به آن سفال می‌گویند. گل تحت تأثیر حرارت در کوره تغییر می‌کند و سفت، محکم، انعطاف‌ناپذیر و سنگ مانند می‌شود؛ بدون اینکه با گذشت زمان تغییر کند. رنگ خاک رس قبل و بعد از پختن تفاوت می‌کند. اگر خاک رس خالص باشد، بعد از پخت، رنگ آن سفید می‌شود و اگر در ترکیب آن اکسید آهن باشد، به رنگ سرخ در می‌آید. اگر کربن داشته باشد رنگ تیره و اگر گرافیت داشته باشد، رنگ خاکستری به خود می‌گیرد.

در منطقه‌ای که شما زندگی می‌کنید، سفال‌های بدون لعاب چه رنگی دارند؟

گل معمولی در دمای ۱۰۰۰ درجه سانتی‌گراد پخته می‌شود. در دمای پایین‌تر، حجم کاملاً پخته نمی‌شود و استحکام کافی را به دست نمی‌آورد. به همین دلیل، میزان سختی آثار سفالی گوناگون، متفاوت است. برای نمونه، بسیاری از سفالینه‌های یافت شده در حفاریات باستان‌شناسی محکم نیستند و در عملیات حفاری، به راحتی می‌شکنند. این نشان‌دهنده روش متفاوت پخت آنهاست.

۱- وقتی سطح حجم گلی خشک شد، آب‌های قسمت زیرین توسط لوله‌های موئین به سطح می‌آید و در هوا پخش می‌شود و خشک شدن، به تدریج صورت می‌گیرد.

درس دوم: ساختن حجم‌های گلی با روش فشاری

- در پایان این درس از دانش‌آموزان انتظار می‌رود:
- در آماده کردن گل برای کار مهارت داشته باشند.
- در ساخت اشیای سفالی به روش فشاری مهارت داشته باشند.

مراحل اجرا

- ۱- از دانش‌آموزان بخواهید گل را از کیسه خارج کنند و ورز دهند تا نرم شود.
- ۲- آن را به شکل گلوله در آورند.
- ۳- گلوله را در یک دست نگاه دارند و با انگشت شست دیگر به آرامی در وسط گلوله سوراخی ایجاد کنند.
- ۴- انگشت شست و سیبانه را طوری دور لبه ظرف قرار دهند که شست در داخل و سیبانه در خارج آن قرار گیرد. ظرف و حجم دلخواه خود را به آرامی در کف دست بچرخانند تا لبه‌های آن صاف و یکدست شود.
- ۵- در صورت ترک برداشتن گل، با اسفنج یا انگشت مرطوب روی ترک‌ها را بپوشانند.
- ۶- در صورت زیاد بودن رطوبت، احتمال وا رفتن ظرف وجود دارد. پس باید آن را مدتی کنار بگذارند.
- ۷- پس از طرح زدن روی ظرف، آن را خشک کنند.

درس سوم: ساختن حجم‌های سفالی با روش فتیله‌ای

در پایان این درس از دانش‌آموزان انتظار می‌رود:

- برای ساخت سفال مورد نظر خود، از روش فتیله‌ای استفاده کنند.
- آثار سفالی را بشناسند.

یکی از روش‌های قدیمی ساختن ظرف، روش فتیله‌ای است که پس از اختراع چرخ سفالگری نیز همچنان رونق دارد؛ چون ظرف‌های بزرگ را نمی‌توان با چرخ سفالگری ساخت و برای ساختن آنها از روش فتیله‌ای یا روش قالب‌گیری استفاده می‌کنند.

در روش فتیله‌ای برای ساختن ظرف، ابتدا کف ظرف را به شکل مورد نظر و به صورت تخت (یک تکه یا با روش فتیله‌ای) آماده می‌کنند. سپس گل را به شکل فتیله‌ای باریک در می‌آورند و به صورت حلقه‌ای دور تا دور کف ظرف می‌پیچند و لایه‌های بعدی را اضافه می‌کنند؛ تا جایی که دیواره ظرف کامل شود. برای اتصال حلقه‌های فتیله، با استفاده از ابزار نوک تیز، بر روی محل اتصال (دولایه فتیله گلی) خراش ایجاد می‌کنند. سپس به کمک گل شل (دوغاب یا چسب گل) دو لایه فتیله را به هم متصل می‌کنند.

مراحل اجرا

- ۱- گل را از کیسه خارج کنید، و ورز دهید.
- ۲- با گل آماده، فتیله‌های مورد نیاز را بسازید و در کیسه نایلونی (یا ظرفی با شرایط مشابه) نگهداری کنید.
- ۳- کف ظرف را به شکل تخت و یا با استفاده از فتیله (به شکل حلزونی پیچیده شود) بسازید.
- ۴- شکل مورد نظر خود را با استفاده از فتیله‌ها بسازید و در صورت تمایل آن را نقش‌دار کنید.
- ۵- دور تا دور کف ظرف را با یک شیء نوک تیز خراش دهید و سپس با کمی دوغاب گل، روی آن را بپوشانید.

۶- فتیله را روی خراش‌ها فشار دهید تا کاملاً بچسبد. دو سر فتیله را نیز به هم متصل کنید.

۷- با همین روش فتیله‌های بعدی را متصل کنید؛ تا حدی که دیواره ظرف کامل شود.

ظرف ساخته شده را به دو روش می‌توان تمام کرد :

الف) با حفظ بافت فتیله‌ای

ب) با صاف و یکنواخت کردن بافت فتیله‌ای (به کمک دست یا ابزار و در پایان، اسفنج خیس)

۸- در صورت تمایل، دسته یا پایه بسازید و به ظرف متصل کنید.

۹- ظرف‌های ساخته شده را در پوشش نایلونی سوراخ‌دار خشک کنید.

۱۰- پس از خشک شدن ظرف‌ها، آنها را به روش دلخواه رنگ آمیزی کنید.

۱۱- در صورت تمایل، روی رنگ خشک شده روغن جلا بزنید.

هنرهای آوایی

درس اول: وزن

- در پایان این درس از دانش‌آموزان انتظار می‌رود:
- مفهوم وزن (ریتم) را تعریف کنند.
- اصوات (با ضربی منظم) را از اصوات (غیرضربی (با ضربی غیر منظم)) بازشناسی کنند.
- هماهنگ با ضربآهنگ موسیقی ضربه‌هایی بزنند.
- به صداهای طبیعت به عنوان بخشی از خلقت خداوند توجه کنند و از آن لذت ببرند.

الگو

آیا می‌دانید الگو در لباس به چه معنی است و کاربرد آن چیست؟ معنی الگوی رفتار چیست؟ ابتدا یک مثلث روی تخته بکشید و از دانش‌آموزان بخواهید این مثلث را به عنوان الگو انتخاب و آن را تکرار کنند.

نتیجه‌گیری: الگو به نمونه‌ای گفته می‌شود که قرار است عیناً تکرار شود.

هدایت به درس

آیا می‌توان در صدا هم الگو سازی کرد؟ بیایید یک صدا تولید کنیم و ببینیم چگونه می‌توان آن را الگوسازی کرد.

با هجاهای «مفتعلن» روی میز بزنید و برای دانش‌آموزان توضیح دهید که این یک الگوی صوتی است. حالا یکی از دانش‌آموزان این الگو را تکرار کند. این الگو می‌تواند به شکل‌های مختلفی مانند مفاعیلن، فاعلاتن... نیز بیاید.

نتیجه‌گیری: به این الگو «الگوی ریتمیک» گفته می‌شود.

ضرب

۱- مصرع زیر را روی تخته بنویسید.

مرده بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم

۲- از دانش‌آموزان بخواهید آن را با هم بخوانند و تکرار کنند. پس از پایان این کار، از دانش‌آموزان بپرسید چه الگویی تکرار شده است. دانش‌آموزان روی میز خود و با مداد یا خودکار ریتم «مفتعلن» را می‌زنند.

۳- در مرحله بعد، دوباره این شعر را بخوانید و از دانش‌آموزان بخواهید که همراه آن به آرامی دست یا پا بزنند.

۴- برای دانش‌آموزان توضیح دهید که این عمل را ضرب زدن و هر صدا را یک ضرب می‌نامیم.

برای درک مفهوم هجای بلند و کوتاه، می‌توانید از علائم خاص این مفهوم در عروض استفاده کنید.

۵- برای درک مفهوم اصوات ریتمیک (با ضرب منظم) و غیرریتمیک (بدون ضرب‌های منظم)، (علامت هجای کوتاه U و علامت هجای بلند -)، ضرباتی نامنظم روی میز بزنید و از دانش‌آموزان بخواهید، در صورتی که می‌توانند، با آن دست بزنند. به این ترتیب، دانش‌آموزان تفاوت اصوات ریتمیک و غیر ریتمیک را درک می‌کنند.

سرعت (تمپو)

برای ایجاد جذابیت بیشتر کلاس از دانش‌آموزان سؤال کنید چه کسی می‌تواند این شعر را

سریع تر بخواند و همراهش دست بزند. همین کار را با سرعت کم نیز انجام دهید.

نتیجه گیری: سرعت ضرب می تواند زیاد یا کم باشد.

سؤال: در مراسم سینه زنی، آیا سرعت ضرب های سینه زنان در همه قسمت های آیین عاشورایی

یکسان است؟

نمونه صوتی: موسیقی محلی نوایی نوایی را برای دانش آموزان پخش کنید و از آنها بخواهید

با آن دست بزنند.

به دنبال آن، نمونه ای از موسیقی لرستان را پخش کنید و از دانش آموزان بخواهید با آن دست

بزنند.

بحث در کلاس: فکر می کنید چرا سرعت دست زدن این دو باهم متفاوت است؟ (مفهوم متن

را با دانش آموزان بررسی کنید.)

نوحه ای را که در آن سینه زنی نمی شود، برای دانش آموزان پخش کنید و از آنها بخواهید

ضرب یا پالس آن را مشخص کنند. این کار در عمل امکان پذیر نیست و به این ترتیب، مفهوم موسیقی

غیرریتمیک روشن می شود.

درس دوم: لحن (ملودی)

در پایان این درس از دانش‌آموزان انتظار می‌رود:

- لحن (ملودی) را بشناسند.
- اصوات آوایی را از غیر آوایی تشخیص دهند.
- تفاوت میان ملودی‌ها، اصوات بی‌شکل و اصوات غیر آوایی را بشناسند.
- صداهای بالا و پایین را تشخیص دهند.
- نمودار ملودی‌هایی را که می‌شنوند، رسم کنند.

صدای آوایی

۱- ابتدا از یکی از دانش‌آموزان بخواهید دست خود را روی میز یا دیوار بکشد و از دیگر دانش‌آموزان بخواهید به آن گوش کنند.

۲- از آنها سؤال کنید که آیا می‌توانند صدای شنیده شده را بخوانند یا زمزمه کنند.

۳- توجه دانش‌آموزان را به صداهای اطراف جلب کنید؛ حال دوباره از آنها سؤال کنید: «آیا می‌توانید این صداها را زمزمه کنید یا با سوت بزنید؟»

۴- حالا بیایید یک بار سرود ملی را بدون متن شعر آن زمزمه کنیم یا بخوانیم. سؤال: تفاوت این صدا با صدای کشیدن دست روی میز یا دیوار چیست؟ (یکی را می‌توان زمزمه کرد و دیگری را نمی‌توان) (توجه شود زمزمه با تقلید صدا متفاوت است)

نتیجه‌گیری: به صداهایی که می‌توان آنها را زمزمه کرد یا خواند، «ملودی» یا «نغمه» می‌گویند.

یک خط‌کش فلزی یا پلاستیکی را طوری کنار میز قرار بدهید که قسمتی از آن خارج از حاشیه میز باشد. با دست به آن ضربه بزنید تا به ارتعاش درآید. این کار را در چند حالت انجام دهید؛ یعنی با طول‌های متفاوت خط‌کش که بیرون از حاشیه میز قرار دارند. وقتی طول خط‌کش بلندتر است، صداها بم (پایین) و وقتی طول خط‌کش کوتاه است، صداهای زیر (بالا) داریم.

از دانش‌آموزان بخواهید بم‌ترین و زیرترین صدایی را که می‌توانند، تولید کنند.

همین کار را می‌توان با سوت زدن نیز آزمایش کرد. بعد از این فعالیت جمله زیر را روی تخته

بنویسید :

به کنار هم قرار گرفتن صداهای بم و زیر، به طوری که قابل شناختن باشند، «ملودی» می‌گویند. از چند دانش‌آموز بخواهید نغمه‌ای را زمزمه کنند یا با سوت بزنند و دیگر دانش‌آموزان حدس بزنند کدام ملودی است.

به دانش‌آموزان بگویید که اصوات بی شکل درست مانند کلماتی هستند که کنار هم قرار می‌گیرند ولی مفهومی را به ذهن متبادر نمی‌کنند.

مثال : گل، چشمه، غروب زیبا، تک درخت نارون و... این کلمات ممکن است زیبا باشند ولی مفهومی را نمی‌رسانند. در موسیقی نیز اصوات باید طوری کنار هم بیایند که ابتدا و انتهای آنها معلوم باشد.

فهرستی از مولدهای صدا روی تخته بنویسید و از دانش‌آموزان بخواهید بگویند هر یک از آنها چه نوع صدایی تولید می‌کند.

موسیقایی \ غیر موسیقایی و پایین \ بالا

ماشین، چکش، آبشار، باران و ...

صدای کودک، صدای مرد، ترمز ماشین، آژیر آمبولانس (حرکت از بالا به پایین) و... در نمونه آژیر پلیس یا آمبولانس می‌توانید با اشاره دست به همراه دانش‌آموزان توضیح دهید که صدا از سمت پایین به سمت بالا و برعکس حرکت می‌کند.

برای دانش‌آموزان یک شکل ساده و شماتیک از یک میوه، برگ یا ... بکشید و از آنان بپرسید که آیا این یک سیب، یک برگ یا ... است؟ پاسخ صحیح این است : «خیر این نقش، تداعی یا شکل سیب، برگ یا ... است و برای کامل شدن به رنگ، حجم و ... نیاز دارد. در موسیقی نیز ملودی نمای بیرونی است که برای ما یک آهنگ را تداعی می‌کند و در موسیقی موارد بسیار مهم دیگری هم وجود دارند که در ادامه به آنها هم می‌پردازیم.

ارزشیابی

اصوات مختلف را برای دانش‌آموزان پخش کنید و بپرسید کدام موسیقایی و کدام غیر موسیقایی هستند. برای دسترسی به نمونه‌های صوتی به سایت دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری (گروه هنر) www.talif.sch.ir مراجعه کنید.

نمونه شماره ۲-۱ را پخش کنید و بپرسید کدام اصوات شکل دار و کدام بی شکل هستند.
نمونه شماره ۲-۲ را پخش کنید و بپرسید کدام یک ملودی است و کدام یک نیست.
نمونه شماره ۲-۳ را پخش کنید و از دانش آموزان بخواهید با دست نشان دهند که در هر یک
از نمونه های پخش شده کدام به سمت بالا و کدام به سمت پایین می رود.
دانش آموزان باید به وسیله اجسام مختلف اصوات غیر موسیقایی آرام، پر صدا، لطیف و خشن
درست کنند.

درس سوم: رنگ صوتی

- در پایان این درس از دانش‌آموزان انتظار می‌رود:
- رنگ‌های صوتی را تشخیص دهند و تفاوت آنها را بیان کنند.
 - به کمک وسایل در دسترس، اصوات صوتی با رنگ‌های مختلف را تولید کنند.
 - برای اصواتی که دارای رنگ‌های صوتی مختلف اند، صفت بیان کنند.

مقدمه

- ۱- روی تخته چند دایره رسم کنید. از دانش‌آموزان بخواهید صفات مربوط به فصل‌ها را بگویند و شما در هر دایره صفات مربوط به هر فصل را بنویسید.
 - ۲- حال با کمک دانش‌آموزان صداها را مربوط به هر فصل را در دایره‌ها بنویسید (پرنده، باد، رعد و برق و...).
 - ۳- از دانش‌آموزان سؤال کنید: «آیا می‌توان از روی صداها حدس زد که هر دایره مربوط به کدام فصل است؟ با دانش‌آموزان در این مورد صحبت کنید که آیا می‌توان با شنیدن اصوات به برخی نشانه‌ها پی برد.»
 - ۴- حال این سؤال را مطرح کنید: آیا می‌توان با دیدن رنگ‌ها به برخی احساسات پی برد؟ (بله، برای مثال رنگ‌های گرم و سرد)
- برای توضیح بیشتر، از دانش‌آموزان بخواهید با دسته‌بندی رنگ‌هایی که در فصول می‌بینند، احساساتی را که هر رنگ القا می‌کند بیان کنند (این موضوع می‌تواند برای تحقیق مطرح شود).
- نتیجه‌گیری: «رنگ» یکی از مهم‌ترین خصوصیات اشیا و همچنین از مهم‌ترین راه‌های شناخت پدیده‌های اطراف ماست.
- ۵- حال این موضوع را در صدا نیز مطرح کنید: چه عاملی در صوت باعث می‌شود شما صدای یک بچه را از یک انسان مسن تشخیص دهید؟ پس از مباحثه نتیجه‌گیری کنید: رنگ صدا. رنگ صوتی چیست؟ شکل قرار گرفتن انواع امواج صوتی در کنار هم و باهم.

آیا می‌دانید که رنگ‌های صوتی را می‌توان نام‌گذاری کرد؟ صدای تو دماغی، صدای خشن، صدای کودکانه و

بیا بید با هم برای صداهای اطراف با توجه به رنگ صوتی آنها یک صفت بگوییم. آنچه در وسایل مختلف تفاوت رنگ ایجاد می‌کند، شکل تولید صداست. شیپور در مقایسه با طبل و

ارزشیابی

برای دانش‌آموزان نمونه شماره ۱-۳ را پخش کنید و بخواهید هنگامی که رنگ صوتی تغییر می‌کند، بگویند.

نمونه شماره ۲-۳ را پخش کنید و از دانش‌آموزان بخواهید برای اصوات صفت تعریف کنند (پاسخ این مورد می‌تواند بسیار باز و متنوع باشد).

دانش‌آموزان با وسایل اطراف خود اصواتی درست کنند و برایشان تعریف بیافرینند. مهم : در تمام فعالیت‌ها لازم است از کلمه کلیدی رنگ صوتی استفاده شود.

درس چهارم: شکل (فرم)

در پایان این درس از دانش‌آموزان انتظار می‌رود:

- تکرارها را در یک خط آوا تشخیص دهند.
- تعداد هر تکرار را تشخیص دهند.
- هر بخش را نام گذاری کنند.
- شکل کلی اثر را با نام گذاری بنویسند.

مراحل اجرا

- ۱- با گچ روی تخته شکلی بی قواره و نامنظم بکشید و از دانش‌آموزان سؤال کنید: «این چیست؟»
- ۲- برای تداوم بحث و تحلیل، از دانش‌آموزان بپرسید: «چرا نمی‌دانیم چیست؟» از مجموع پاسخ‌های دریافتی نتیجه‌گیری کنید که: «به این دلیل که در ذهن ما چیزی شبیه این شکل وجود ندارد و نمی‌توانیم برای آن نامی بگذاریم.»
- ۳- برای بچه‌ها نمونه شماره ۱-۴ را پخش کنید و از آنها سؤال کنید: آیا این اصوات را می‌توانید دوباره تشخیص دهید؟ (خیر)
معلم برای بار دوم همان نمونه را همراه با نمونه‌های دیگر می‌گذارد. حالا دانش‌آموزان می‌توانند از بین همه نمونه‌ها آن را تشخیص دهند.
نتیجه‌گیری: برای شناختن اصوات و شکل آنها به تکرار نیاز داریم.
- ۴- در نمونه شماره ۲-۴ مشخص کنید چه قسمت‌هایی تکرار می‌شوند. دوباره گوش کنید و بگویید چند بار تکرار می‌شوند.
- ۵- از دانش‌آموزان بخواهید در یک بحث گروهی برای هر قسمت که تکرار می‌شود، نامی بگذارند! حالا فکر می‌کنید فرم یا شکل این اثر چه می‌تواند باشد؟ (نمونه ۳-۴)

درس پنجم: بافت

در پایان این درس از دانش‌آموزان انتظار می‌رود:

- انواع بافت را بشناسند.
- بافت‌های پر و خالی را تشخیص دهند.
- بافت‌های چند صدایی و تک صدایی را تشخیص دهند.
- مفهوم بافت را تعریف کنند.

مراحل اجرا

۱- ابتدا روی تخته شکل دار قالی را نقاشی کنید و تار و پود را بر همین اساس نشان دهید. بر همین اساس می‌توانید مفهوم بافت را به معنی درهم تنیده شدن تار و پود به دانش‌آموزان بگویید. برای تعریف دقیق‌تر، می‌توان بافت را در پارچه با توجه به ضخامت و درهم فشردگی تار و پود برای دانش‌آموزان توضیح داد.

۲- سپس از دانش‌آموزان بخواهید در ذهن خود جمله یا شعری را بیاورند. جمله را روی تخته بنویسید و از دانش‌آموزان بخواهید همه باهم در یک زمان شعر را بخوانند.

۳- از آنها سؤال کنید: چند صدا شنیده شد؟ (پاسخ محتمل این خواهد بود که به تعداد دانش‌آموزان؛ که این پاسخ نادرست است.)

۴- حالا از یکی از دانش‌آموزان بخواهید شعر یا جمله خود را بخواند و به‌طور هم‌زمان، یک دانش‌آموز دیگر شعر روی تخته را بخواند. از آنها سؤال کنید: حالا چند صدای مستقل شنیده می‌شود؟ (پاسخ: دو صدا)

به این شکل از ترکیب صداها «بافت چند صدایی» می‌گویند. بنابراین آنچه در آغاز خواندید، با آنکه توسط همه کلاس خوانده شد چون تنها در یک خط خوانده شد بافت صوتی ما بافت تک خطی یا تک صدایی بود.

۵- از دانش‌آموزان بخواهید برای انجام یک فعالیت خلاق و مفرح اشعاری انتخاب کنند و به صورت هم‌زمان، دوتا دو تا باهم هر یک شعر خود را بخوانند. به گروهی که اشعارشان ارتباط معنایی

خوبی پیدا کند، می‌توان پاداش داد.

۶- حالا می‌توان با تولید اصوات همین کار را انجام داد؛ یعنی هر دانش‌آموز با یک وسیله، صوتی ایجاد کند و دانش‌آموز دیگر با وسیله‌ای دیگر به نحوی که صداها هیچ ارتباطی باهم نداشته باشند. در حالی که این کار در حال انجام گرفتن است، به دانش‌آموزان بگویید آنچه می‌شنوند، مانند ترکیب تار و پود در پارچه است و ایجاد بافت می‌کند.

بافت می‌تواند بیشتر از دو صدا داشته باشد و می‌تواند پرت‌تر یا خالی‌تر باشد. هرچه صداها به هم شبیه‌تر باشند، بافت پرت‌تر و هرچه متفاوت‌تر باشند خالی‌تر می‌شوند؛ چون از هم قابل تشخیص‌تر و جدا‌ترند.

ارزشیابی

نمونه شماره ۱-۵ را برای دانش‌آموزان پخش کنید. چند صدا می‌شنوید؟

نمونه شماره ۲-۵ را برای دانش‌آموزان پخش کنید. چند صدا می‌شنوید؟

هنرهای نمایشی

مقدمه (دانستنی‌های معلم)

بازی و نمایش به ویژه در دوران کودکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اجرای نمایش در سنین کودکی، برای کودکان و به‌وسیلهٔ کودکان، علاوه بر ایجاد حس همکاری و مشارکت جمعی، در آموزش و پرورش رفتارهای فردی و اجتماعی بسیار مؤثر است. در دورهٔ ابتدایی، دانش‌آموزان با مفاهیم بازی و نمایش به شیوه‌های عملی آشنا شدند. پس از اینکه دانش‌آموزان با بنیان و اساس نمایش آشنا شدند، می‌بایست با عناصر اصلی شکل دهندهٔ نمایش، که طی قرن‌ها به‌عنوان زیربنای هنرهای نمایشی مطرح و به کارگرفته شده‌اند، آشنایی حاصل کنند.

آنچه در اجرای یک نمایش در معرض دید تماشاگران قرار می‌گیرد، تلاش‌هایی است که پیش از اجرا به انجام رسیده است. علاوه بر این، برای تمرین و اجرای یک نمایش موفق و تأثیرگذار، نیاز به متن یا نمایشنامه‌ای است که دارای ارزش‌های فنی و زیبایی‌شناسانه باشد.

در واقع، مبنای اجرای یک نمایش مؤثر، نمایشنامه‌ای با قاعده و ارزشمند است. نمایشنامه نیز برخوردار از عناصر دیگری همچون گفت‌وگوهای نمایشی، شخصیت‌های تأثیرگذار و ساختمانی شکیل است.

در این بخش تلاش شده است تا مفاهیم فوق مطرح و دربارهٔ آنها توضیح روشن و کافی به همراه تمرین‌های کاربردی ارائه شود تا دانش‌آموزان این دوره راه و روش نگارش آثاری مناسب اجرا در صحنهٔ نمایش را بیاموزند و بتوانند از فرهنگ غنی ادبیات اسلامی - ایرانی برای آفرینش نمایشنامه‌های ارزشمند بهره‌مند شوند.

به معلمان نیز توصیه می‌شود که همانند دورهٔ ابتدایی، دانش‌آموزان را برای آفرینشگری در عرصهٔ نگارش متون ارزشمند، به‌ویژه با استفاده از شیوه‌هایی غیر مستقیم و در روند عمل آموزش دهند.

به همین خاطر سعی شده است تمرین‌های کتاب دانش‌آموزان با تجربه‌های زندگی روزمره آنها پیوند و نسبت مستقیم داشته باشد؛ زیرا یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هنر نمایش تأثیرپذیری از اجتماع پیرامون و انعکاس رویدادهای زندگی در صحنه مقدس تئاتر است.

نکته دیگر اینکه همچنان توصیه می‌شود معلمان گرامی بر وجوه کار گروهی در تئاتر همواره تأکید داشته باشند تا دانش‌آموزان بیش از پیش به امتیازات فعالیت‌های جمعی در زندگی بی‌ببرند.

درس اول: گفت و گو

در پایان این درس از دانش‌آموزان انتظار می‌رود:

- مفهوم گفت و گو را درک کنند.
- مهم‌ترین عنصر یک نمایش را بشناسند.

الف) زبان ایما و اشاره

پیش از اینکه کلمات و جملات نقش انتقال مفاهیم را بین انسان‌ها بر عهده داشته باشند، آدمی با زبان ایما و اشاره و گاه نشانه‌هایی مانند دود حاصل از آتش، با هموعان خود ارتباط برقرار می‌کرد.

برای درک این مفهوم، تمرین‌هایی مانند موقعیت‌های زیر را به دانش‌آموزان پیشنهاد دهید.

۱- بدون آنکه دیگران متوجه شوند، به یکی از دانش‌آموزان کلمه و یا مفهومی را بگویید و از او بخواهید این کلمه یا مفهوم را بدون استفاده از گفتار به گونه‌ای اجرا کند که دیگران آن را بفهمند و بازگو کنند.

۲- موضوع و یا مفهومی را به یکی از دانش‌آموزان بگویید و از او بخواهید با استفاده از عناصر و اشیای حاضر در محیط آن مفهوم را به دیگران منتقل کنند.

ب) گفت و گوهای عادی، گفت و گوی نمایشی

زبان ایما و اشاره امروزه نیز گاه نقشی مهم در روابط افراد دارد اما پس از خلق زبان و گفت و گو بین ملت‌ها براساس کلمات ساخته شده از حروف، ادبیات و فرهنگ نیز به سرعت پیشرفت کرد و در نمایش نیز گفت و گوی نمایشی (دیالوگ) نقشی بنیانی یافت.

گفت و گوی نمایشی برگرفته از گفت و گوهای عادی است اما مهم‌ترین تفاوت آن با گفت و گوهای عادی، تلاش نویسنده برای آفرینش کلمات و عباراتی زیباست.

برای درک مفهوم گفت و گوی نمایشی، تمرین‌هایی برآمده از موقعیت‌های زیر را پیشنهاد دهید.

۱- دو دانش‌آموز با یکدیگر به گونه‌ای گفت و گو کنند که یکی از آنها دیگری را به انجام دادن فعلیتی ترغیب و مجاب کند.

۲- وسیله‌ای را برای دویا چند دانش‌آموز در نظر بگیرید و از آنها بخواهید برای به دست آوردن آن از طریق گفت‌وگو، مجدانه تلاش کنند. در واقع هر یک از آنها باید بتواند نفرات دیگر را قانع کند تا صاحب وسیله مورد نظر شود.

ارزشیابی

در پایان این بخش دانش‌آموزان می‌بایست با درک تفاوت بین گفت‌وگوی نمایشی و گفت‌وگوی عادی، دست به نگارش گفت‌وگوی نمایشی بر اساس تمرین‌های انجام شده بزنند.

درس دوم: گفت و گوی نمایشی

در پایان این درس از دانش آموزان انتظار می رود:

- مفهوم گفت و گوی نمایشی را درک کنند.
- تفاوت یک گفت و گوی نمایشی با گفت و گوی عادی را بیان کنند.
- یک گفت و گوی نمایشی خلق کنند.

الف) طراحی گفت و گوی نمایشی

در گفت و گوی نمایشی یا دیالوگ، نمایشنامه نویس می بایست از قبل، موقعیت های گوناگونی را پیش بینی و طراحی کرده و تلاش کند تا مفهوم مورد نظر خود را در فرایند گفت و گوی نمایشی به ثمر برساند.

گفت و گوی نمایشی ویژگی هایی دارد که مهم ترین آنها عبارت اند از:

– انتقال اطلاعات

– مشخص کردن زمان و مکان

– تعریف اشخاص و ماجراها

– پیشبرد روایت

– انتقال مفهوم و معنا

دانش آموزان می بایست با انجام دادن تمرین ها و فعالیت هایی بتوانند گفت و گوهای نمایشی خود را به گونه ای تنظیم کنند که تمامی موارد ذکر شده در آنها رعایت شود و در ضمن موقعیت نمایشی بیافرینند.

کار نمایشنامه نویس از این جهت دشوارتر از دیگر نویسندگان است که گفت و گوها باید به گونه ای تنظیم شوند که اشخاص به کار برنده آنها، مانند اشخاص در زندگی روزمره به نظر برسند اما در حقیقت کلامشان پردازش شده و هنرمندانه باشد.

برای دستیابی به این ویژگی تمرین هایی پیشنهاد می شود:

– به دو یا سه دانش آموز موضوعی بدهید و از آنها بخواهید با یکدیگر درباره آن موضوع

گفت و گو کنند. دیگر دانش‌آموزان می‌بایست گفت و گوی انجام شده را بنویسند و سپس آن را به گونه‌ای بازنویسی کنند که به گفت و گوی نمایشی تبدیل شود.

— حکایت یا داستانی کوتاه از ادبیات کهن یا معاصر ایران را انتخاب کنید و برای دانش‌آموزان بخوانید. سپس از آنها بخواهید که این حکایت یا داستان را به شکل گفت و گو بنویسند.

ب) موقعیت‌های نمایشی

موقعیت نمایشی به زبان ساده یعنی اینکه گفت و گوهای نمایشی با هدف معینی نوشته شوند و آغاز و انجام مشخصی داشته باشند.

برای دستیابی به این هدف، معمولاً یکی از اشخاص باید تصمیم به انجام دادن کاری داشته باشد و دیگری یا دیگران در برابر او ایستادگی کنند. چنین وضعیتی منجر به ایجاد کشمکش می‌شود و این کشمکش به نقطه اوج می‌رسد.

برای درک بهتر این مفهوم به صورت عملی، تمرین‌های زیر پیشنهاد می‌شود.

۱- دانش‌آموزان را به گروه‌های دو نفره تقسیم کنید و از آنها بخواهید یکی خواسته‌ای داشته باشد و دیگری در برابر خواسته او دلایلی بیاورد و به آن عمل نکند. این فرایند باید به شکل نگارش هم‌زمان انجام شود.

۲- از دانش‌آموزان بخواهید حاصل فعالیت اول را برای دیگران بخوانند و درباره آنها گفت و گو کنند.

۳- موقعیت‌های مختلفی را در مکان‌های گوناگون مانند پیاده‌رو، پارک، ایستگاه اتوبوس و... پیشنهاد دهید و از دانش‌آموزان بخواهید با نگارش گفت و گو بین افراد حاضر در این موقعیت‌ها، به‌طور غیرمستقیم، زمان و مکان را در آنها معین کنند.

ارزشیابی

در پایان این بخش دانش‌آموزان باید بتوانند موقعیت‌های کوتاه نمایشی را به گونه‌ای بنویسند که گفت و گوهای نمایشی در آنها بتواند کاربردهای برشمرده شده برای دیالوگ را نمایان سازد.

درس سوم و چهارم: شخصیت و موقعیت در نمایش

در پایان این درس از دانش آموزان انتظار می‌رود:

- ویژگی‌های شخصیت‌های نمایشی را بشناسند.
- ویژگی‌های موقعیت‌های نمایشی را بشناسند.
- تفاوت موقعیت‌های نمایشی را با موقعیت واقعی بیان کنند.
- موقعیت‌های نمایشی متفاوتی خلق کنند.
- شباهت‌ها و تفاوت‌های داستان و نمایش را بیان کنند.
- مهارت خلق موقعیت‌های واقعی یا تخیلی را در نمایشنامه داشته باشند.
- مفهوم ماجرای نمایشی را درک کنند.
- ماجراهای نمایشی را خلق و اجرا کنند.

الف) مفهوم شخصیت

در زندگی روزمره شخصیت معنای ویژه‌ای دارد. اگر کسی را «با شخصیت» بنامیم، منظورمان این است که فرد مورد نظر ویژگی و یا شاخصه‌هایی دارد که او را از دیگران متمایز می‌کند. در روان‌شناسی نیز مقوله شخصیت به مثابه دانش و تخصص برای شناخت انواع اشخاص به کار می‌رود.

در آثار نمایشی نیز هر یک از افرادی را که وارد صحنه می‌شوند، شخصیت یا کاراکتر می‌نامند. حتی ممکن است در نمایشنامه‌های تمثیلی یا نمایشنامه‌های ویژه کودکان، اشخاص نمایش حیوانات یا اشیا باشند. نمایشنامه‌نویسان معمولاً اشخاصی را برای نگارش آثارشان برمی‌گزینند که ویژگی‌های خاصی داشته باشند و در ماجراهایی که برایشان به وجود می‌آید، منتقل‌کننده مفهوم مورد نظر نویسنده باشند. برای درک بهتر مفهوم شخصیت در نمایش تمرین‌های زیر پیشنهاد می‌شود.

۱- از چند دانش‌آموز بخواهید تا برای خود شخصیت‌های گوناگون اجتماعی انتخاب کنند؛ اشخاصی مانند معلم، پزشک، کارمند، افراد خدماتی و ... سپس در موقعیت‌های نمایشی دو به دو با یکدیگر گفت‌وگو کنند؛ به نحوی که دیگر دانش‌آموزان بتوانند حدس بزنند که هر یک از آنها چه

ویژگی‌هایی دارد.

۲- از دانش‌آموزان بخواهید بر اساس اشخاص پیرامون خود، موقعیت‌های نمایشی مختلف را طراحی کنند و آنها را به شکل صحنه‌های کوچکی بنویسند.

ب) انواع شخصیت‌ها

در دنیای نمایشنامه‌نویسی، اشخاص به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

– شخصیت‌های ساده

– شخصیت‌های پیچیده

اشخاص ساده معمولاً اشخاصی هستند که اعمالشان قابل پیش‌بینی است و رفتاری که از خود بروز می‌دهند، آشکارا ابعاد مختلف آنها را روشن می‌سازد.

این دسته از اشخاص معمولاً در نمایشنامه‌هایی با ماجراهایی متنوع اما ساده کاربرد دارند. از جمله این آثار می‌توان به نمایشنامه‌های اجتماعی معاصر و نیز آثار ویژه کودکان اشاره کرد. در آثار طنز و کمدی نیز معمولاً اشخاص ساده حضور دارند.

اشخاص پیچیده معمولاً اشخاصی هستند که اعمال و رفتارشان به سختی قابل حدس زدن است و ابعاد وجودی آنها به سادگی و سرعت آشکار نمی‌شود.

این دسته از اشخاص معمولاً در نمایشنامه‌هایی با داستان‌های پیچیده و با اوج و فرودهای فراوان حضور دارند.

برای درک مفهوم دو نوع شخصیت ذکر شده فعالیت‌های زیر پیشنهاد می‌شود.

۱- نمایشنامه‌هایی از تاریخ نمایشنامه‌نویسی انتخاب کرده، خلاصه آنها را برای دانش‌آموزان توصیف کنید و ویژگی اشخاص اصلی آنها را توضیح دهید؛ مانند هملت، مکبث و نیز اشخاص آثار درام نویسان ایرانی.

۲- از دانش‌آموزان بخواهید نمایشنامه‌ای مطرح و مشهور را مطالعه کنند و درباره ویژگی‌های اشخاص آن توضیح دهند.

ارزشیابی

در پایان این بخش دانش‌آموزان باید بتوانند صحنه‌های کوتاهی بنویسند که طی آن ماجرای کوچک رخ داده باشد و زمان، مکان و اشخاص به‌طور غیرمستقیم معرفی شده باشند.

منابع برای مطالعه

- ۱- آرمسترانگ، توماس؛ هوش‌های چندگانه در کلاس‌های درس، ترجمه مهشید صفری، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۸۳.
- ۲- آماپلی، ترزا؛ شکوفایی خلاقیت کودکان، ترجمه حسن قاسم‌زاده و پروین عظیمی، نشر دنیای نو، چاپ دوم، تهران، ۷۷.
- ۳- آقازاده، محرم؛ راهنمای عملی روش‌های نوین تدریس، انتشارات آیش، تهران، ۱۳۸۴.
- ۴- آلیس، سوزا و سوزان والن؛ آشنایی با یادگیری از طریق همیاری، ترجمه طاهره رستگار و مجید ملکان، نشر نی، تهران، ۱۳۷۸.
- ۵- آماپلی، ترزا؛ شکوفایی خلاقیت کودکان، ترجمه حسین قاسم‌زاده، نشر دنیای نو، تهران، ۱۳۷۷.
- ۶- اسمیت، فیلیپ؛ تفکر منطقی روش تعلیم و تربیت، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۱.
- ۷- امینی، محمد؛ تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش، انتشارات آیش، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶.
- ۸- انوشه، حسن؛ فرهنگ‌نامه ادبی فارسی، تهران، ۱۳۷۳.
- ۹- اولیوریو فراری، آنا؛ نقاشی کودکان و مفاهیم آن، ترجمه عبدالرضا صرافان، انتشارات دستان، تهران، ۱۳۶۸.
- ۱۰- تاج‌الدینی، علی؛ اهتزاز روح، حوزه هنری، تهران، ۱۳۶۹.
- ۱۱- تقوی، نیره؛ قصه سه رنگ، انتشارات امیرکبیر (کتاب‌های شکوفه) تهران، ۱۳۷۲.
- ۱۲- توماس گلین، وی؛ مقدمه‌ای بر روانشناسی نقاشی کودکان، ترجمه عباس مخبر، انتشارات طرح نو.
- ۱۳- تیلور، باربارا؛ خانه جانوران، ترجمه امیر حسین بنکدار، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۴- تیلور، کیم؛ نقش و نگار در طبیعت؛ ترجمه افشار سلیمانی، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۵- حجت، مهدی؛ میراث فرهنگی در ایران، سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۸۰.
- ۱۶- جویس، بروس و دیگران؛ الگوهای یادگیری ابزارهایی برای تدریس، ترجمه محمود مهرمحمدی و لطفعلی عابدی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۵.
- ۱۷- دهخدا، علی اکبر؛ لغت‌نامه، ج ۱۴، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، زمستان، ۱۳۷۳.

- ۱۸- رؤوف، علی؛ کارمایه معلمان در گذر از یاددهی به یادگیری، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۹- رؤوف، علی؛ یاددادن برای یادگرفتن، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۸۲.
- ۲۰- لنکستر، جان؛ هنر در مدرسه، ترجمه میر محمد سید عباسزاده، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲۱- سیف، علی اکبر؛ روش‌های اندازه‌گیری و ارزش‌یابی آموزشی، نشر دوران، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۸.
- ۲۲- خوش خلق، ایرج؛ مجموعه مقالات اولین همایش ارزشیابی تحصیلی تهران، ۱۳۸۲.
- ۲۳- سیف، علی اکبر؛ سنجش فرایند و فراورده یادگیری، نشر دوران، تهران، ۱۳۸۴.
- ۲۴- سلیمان پور، جواد؛ مهارت‌های تدریس و یادگیری، چاپ احسن، تهران، ۱۳۸۰.
- ۲۵- سیف، علی اکبر؛ روانشناسی پرورشی، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۰.
- ۲۶- شجری، ف؛ یادگیری خلاق، انجمن قلم ایران، تهران، ۱۳۷۸.
- ۲۷- شعبانی، حسن؛ مهارت‌های آموزشی و پرورشی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۲.
- ۲۸- شریف زاده، سید عبدالمجید؛ «مبانی هنرهای سنتی»، کتاب ماه هنر، اردیبهشت ۱۳۷۸.
- ۲۹- فردانش، هاشم؛ مبانی تکنولوژی آموزشی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۲.
- ۳۰- قورجیان، نادر قلی و دیگران؛ نظریه‌های یادگیری و نظریه فراشناخت در فرایند یاددهی - یادگیری، انتشارات تربیت، تهران، ۱۳۷۷.
- ۳۱- مارتین، لیندا؛ ببین چگونه رشد می‌کند، ترجمه مجید عمیق، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۷۹.
- ۳۲- مهر محمدی، محمود؛ چیستی، چرایی و چگونگی آموزش عمومی هنر، انتشارات مدرسه، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۳۳- مهر محمدی، محمود؛ بازاندیشی فرایند یاددهی - یادگیری و تربیت معلم، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۷۹.
- ۳۴- یادگیری گنج درون، ترجمه فاطمه فقیهی و دیگران، پژوهشکده تعلیم و تربیت، وزارت آموزش و پرورش، تهران، ۱۳۷۵.
- ۳۵- یغما، عادل؛ طراحی آموزشی، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۷۲.
- ۳۶- یغما، عادل؛ کاربرد روش‌ها و الگوهای تدریس، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۸۰.
- ۳۷- نیل، آماندا؛ پرندگان، ترجمه رؤیا خوئی، انتشارات کتاب‌های مهتاب، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۸۱.
- ۳۸- ولیکر، آنجلا؛ اسرار طبیعت، ترجمه افشار سلیمانی، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۸۱.
- ۳۹- الیسون، شیدا و جودیت گری؛ بازی‌های خلاق، ترجمه لیلا انگجی، انتشارات جوانه رشد، تهران، ۱۳۸۳.
- ۴۰- تیلور، کیم؛ پرواز با علم، ترجمه محمدعلی شمیم و دیگران، انتشارات محراب قلم، تهران، ۱۳۸۰.
- ۴۱- گرجستانی، سعید؛ سفال و سرامیک؛ دانشگاه هنر، تهران، ۱۳۷۹.

- ۴۲- بیکرنیک، جان؛ مبانی هنرهای تجسمی کودکان، ترجمه مرضیه قره داغی قرقشه، نشر دنیای نو، تهران، ۱۳۸۱.
- ۴۳- سهی، مرتضی؛ برگ‌ها، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۷۸.
- ۴۴- همتی آهویی، ابوالفضل؛ سنگ‌ها، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۸۱.
- ۴۵- دور ریختنی‌ها(سه جلد)، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۸۰.
- ۴۶- خدایی، علی؛ تکه کاغذهای رنگی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۸۲.
- ۴۷- یزدانیان بور، امیرحسین و حاج تقی تهرانی، فاطمه، دایره‌ها، انتشارات تیمورزاده، تهران، ۱۳۸۲.
- ۴۸- ایمن، لیلی، توران میرهادی و مهدخت دولت‌آبادی؛ گذری در ادبیات کودکان، شورای کتاب کودک، چاپ سوم، تهران، ۱۳۵۶.
- ۴۹- سنگری، محمدرضا؛ «هدف‌ها و شیوه‌های داستان‌پردازی در قرآن»، مجله ادبیات داستانی، شماره ۲۶ و ۲۷، سال ۱۳۷۳.
- ۵۰- شورای کتاب کودک، فرهنگ‌نامه ادبیات کودکان و نوجوانان؛ چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.
- ۵۱- نعمت الهی، فرامرز؛ ادبیات کودک و نوجوان (کد ۱۵/۶)، مراکز تربیت معلم، رشته زبان و ادبیات فارسی.
- ۵۲- شیخ فیض‌الاسلام، فائزه؛ مقدمه‌ای بر آموزش خلاقیت نمایشی برای کودکان، انتشارات مدرسه، تهران ۱۳۸۵.
- ۵۳- وکیلی، ابوالفضل و شاهپور حسینی؛ کیمیای جاوید در موزه ملی ایران، انتشارات سردبیر.
- ۵۴- وکیلی، ابوالفضل، آثار تاریخی ایران، زرین و سیمین؛ انتشارات سردبیر.
- ۵۵- وکیلی، ابوالفضل، آثار تاریخی ایران، موزه رضا عباسی؛ انتشارات سردبیر.
- ۵۶- آشنایی با میراث فرهنگی و هنری ایران (کد ۵۹۴/۶)، کتاب درسی دوره پیش دانشگاهی.
- ۵۷- باباشاه اصفهانی، رساله خط موسوم به آداب المشق، انتشارات پیکره، تهران، ۱۳۹۱.
- ۵۸- هروی، میرعلی، مرقع گلشن (رساله مدادالخطوط)، چاپ اول، انتشارات فرهنگسرا، تهران، ۱۳۶۸.
- ۵۹- فضائی، حبیب‌اله، اطلس خط، چاپ اول، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۹۰.
- ۶۰- فضائی، حبیب‌اله، تعلیم خط، چاپ پنجم، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۶۶.
- ۶۱- شimmel، آن ماری، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، (ترجمه اسداله آزاد)، انتشارات به نشر چاپ چهارم، ۱۳۸۹.
- ۶۲- مشعشعی، غلامرضا، احوال و آثار درویش عبدالمجید طالقانی، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱.
- ۶۳- خروش، کیخسرو، سطر نویسی تا کتابت، انتشارات یوش، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۳.
- ۶۴- امیرخانی، غلامحسین، آداب الخط، انتشارات انجمن خوشنویسان ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۱.
- ۶۵- شهبازی، محمد، مقدمات تعلیم خط نستعلیق، انتشارات غبوری، تهران، ۱۳۹۰.
- ۶۷- قلیچ خانی، حمیدرضا، درآمدی بر خوشنویسی ایرانی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۹۲.

